

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت پانزدهم

بسوزم من بسازم من، ز داغت ای گل نازم
شدم خانه خراب آخر، چرا رفتی تو از دستم

.....

هنوزم مانده در گوشم، طنین لحن زیبایش
عزیزم رفته از دستم، دیگر خالی شده جایش

ز یادم کی رود بیرون، صفای قد رعنائش
پس از این بنگرم باید، به حسرت روی عکسش را



اقوام در تاریخ (قرن شانزدهم - قرن هژدهم میلادی)

در قسمت قبلی مشاهده نمودیم، تمام چیز های که اقوام در افغانستان، بر علاوه تفاوت های نژادی - زبانی (ethno - linguistique) و تقسیم بندی های قبیله‌ای، به صورت مشترک دارند. سر انجام از قرن شانزدهم میلادی به این طرف جوامع یک نقطه ساختاری مشترک را در بین خود، در محیط اجتماعی و سیاسی در افغانستان به دلیل که در حاشیه یک امپراطوری قرار گرفته است، تقسیم می کنند، در اطراف و حومه آن بعضی نقاط خیلی مهم به دلیل موقعیت ستراتیژیکی شان، نظر به این که نقاط مرکزی را برای عبور و کنترل تشکیل داده بودند، وجود دارد. بعضی

قسمت‌ها بالای مناطق آرام و سرسبز قرار داشته و نقاط عبوری کاروان‌ها را تشکیل و به این ترتیب یک منبع اقتصادی و تجارتی خوب را تشکیل نموده بودند. از طرف دیگر این موقعیت حاشیوی سبب بیجا شدن تعداد زیادی مردم از قرن شانزدهم به بعد گردید، دوره‌ای که پشتون‌ها قلمرو خود را در منطقه وسعت دادند.

بعد از به وجود آمدن امپراطوری مغل‌ها، پشتون‌ها در یک فضای جدید تشکیلات داخل شدند که آن‌ها را مجبور به داشتن روابط منظم با تشکیلات امپراطوری نمود، و در صدد پالیدن قدرت سیاسی در منطقه گردیدند.

ارتباطات شان هم‌راهِ دولت مستقر، بالای یک تهداب مستحکم و منظم و بر حسب چگونگی قدرت سیاسی شکل گرفته، که بعضاً اشکال مختلف را نظر به قبایلی که مغل‌ها هم‌راهِ شان روابط نو سلطه‌گر و کارفرما، روابطی که برای اتکاء قدرت سیاسی خود در این منطقه برنده (Limes) بسته نمودند.

تنوع بزرگ اشکال سیاسی مربوط به عوامل زیاد مخصوصاً به موجودیت و یا عدم موجودیت یک بازی ستراتیژیکی در مورد اشغال سرزمین دارد. به همه حال عوامل تعیین‌کننده این اشکال مختلف ناپایداری و بی‌ثباتی، جواب از طرف قبایل مربوط به اقدام سلطه‌گری مغل‌ها بوده است. این تنوع ناشی از شیوه و طریقه روش‌افزایی است که با استعمال آن بازی‌گران قبایل سرپرستی و اداره سیاسی را که برای شان محیط اجتماعی پیشکش می‌نماید، استفاده می‌کنند.

هر قدر روابط هم‌راهِ دولت زیاد و شدید باشد به همان اندازه درجه قشر بندی بلند می‌باشد. و از طرف دیگر از نقطه نظر تبارشناسی گرایش به مشروعیت دادن امتیازات ارثی در بین نسب‌های بارز موجود می‌باشد. موقعیت بارز و سلطه‌گر از استعمال نمودن غنای بی‌کی که توسط قشر بندی (بازی بی‌ادغام و پیوند) و همچنان با انکشاف دادن روابط هم‌راهِ دربار، مخصوصاً ارتباطات از طریق پیوند ازدواج‌ها به دست می‌آوردند. این مشاهدات به ما اجازه تحلیل بالای سیستم سیاسی تحت حکمروایی امیر دوست محمد خان را می‌دهد:

این رژیم توسط عدم موجودیت مرکزیت سیاسی و اتکاء نمودن بالای قطعات سیاسی، مشخص بوده است. در حقیقت وابسته به شبکه‌های میانجی (middle men)، آنهائیکه صداقت و وفاداری شان با توزیع نمودن پاداش و امتیاز و ثروت ارتباط دارد. فلذا رژیم اساس به وجود آوردن عدم برابری در بین قبایل و در داخل کلان‌های مختلف که آن را تشکیل داده است، می‌باشد، «چون که مستفید شدگان از حمایت دولت برخوردار می‌باشند و یک پرستیج اجتماعی بالاتر از ممنوع

های قبایلی خود به دست می آورند. پشتیبانی و حمایت دولت یک تأثیر بنیادی بالای اشکال قدرت های محلی داشته و در نتیجه به مستقر نمودن یک لیدر شف موروئی سهیم می گردد» (C. Noëlle Karimi)

(Noëlle Karimi) مستحکم بودن امپراتوری مغل در یک زمانی نشان دهنده یک تعداد پدیده های بخصوص بود، مغل ها با عملی نمودن یک سیاست خشن و سرکوب کننده عسکری و به دست آوردن غنا و توزیع نمودن در بین قبایل پشتون های شرق امتیازات به دست آوردند. قبیله ختک یک مثال برجسته این چنین تحول است:

«در سال 1581 میلادی پادشاه مغل جلال الدین اکبر نگهداری سرک که هند را به خراسان و پُل جسری (Djessri) در بالای سند (Sindh) که به امر وی ساخته شده بود، به مَلِک اکوره (Akoura) شفِ قبیله ختک و پدر، پدرکلان خوشحال خان ختک واگذار شد. و بر علاوه برایش در نوشهر یک قلعه بزرگ، مستحکم و یک مقام داد و همچنان برایش اجازه گرفتن حق العبور به حساب شخصی اش از عبور و مرور بالای پُل داد.

با در گذشت ملک تمام امتیازات که وی به دست آورده بود، فامیلش و پسرش یحیی خان و بعد از آن به شهباز خان پدر خوشحال خان رسید که از آن مستفید گردیدند» (میر محمد صدیق فرهنگ) این تحلیل مؤلف برای ما یکی از اشکال قبیله یی عصر شاهی امیر دوست محمد خان را برجسته می سازد.

شیوه و طریقه های مختلف که ارتباط دولت و اجتماع را پیوند، پدیده های سلطه گری و قشر بندی را مشخص و بافت تشکیلات اجتماعی را در بین محل از لا به لای آن تشریح می نماید، که اساس و بنیاد ادبیات علمی (littérature scientifique)، بالای نژاد ها و اقوام در افغانستان و در ایران معطوف گردیده است.

ادامه دارد